



کاربرد

با آب میوه خانگی، کافه را به خانه بیاورید



مرجان دهقان | روزنامه نگار

دل تان برای کافه گردی ها و تفریحات قبل از کرونا تنگ شده است؟ حالا که هنوز نمی توانیم از خوراکی های بیرون استفاده کنیم، بیایید کمی خودمان را تحویل بگیریم؛ مثلاً با یک آب میوه خانگی. میوه دلخواه تان را خوب بشویید. بعد آن را به قطعات کوچک تقسیم کنید. تکه های میوه باید طوری باشد که به راحتی از دهانه آب میوه گیری رد شود. هسته میوه ها را هم حتماً از آن خارج کنید و گرنه بین تیغه ها گیر می کند و به دستگاه آسیب می زند. حواس تان باشد که برای میوه های نرم مثل موز یا طالبی از مخلوط کن استفاده کنید. پوره این میوه ها راه منفذ های صافی آب میوه گیری را می گیرد و عصاره میوه از آن عبور نمی کند. قبل از این که آب میوه گیری را به برق بزنید، مطمئن شوید که قطعات آن به درستی سوار شده اند. حالایک ظرف زیر خروجی آب میوه گیری قرار دهید و میوه ها را یکی یکی داخل دستگاه بیندازید. درپوش روی ورودی دستگاه برای این است که با آن هر تکه میوه را به سمت تیغه ها هدایت کنید. حین کار، به محفظه آب میوه گیری دقت کنید که تفاله بیش از حد در آن جمع نشود. اگر می خواهید آب مقدار زیادی میوه را بگیرید، باید چند بار تفاله ها را خالی کنید. وقتی کار تان با دستگاه تمام شد، بلافاصله آن را بشویید و گرنه تفاله ها در دستگاه خشک و شستش سخت می شود. قسمت های مختلف دستگاه را طبق راهنمای آن از هم جدا کنید. هوای موتور دستگاه را هم داشته باشید که آب روی آن نریزد. صافی را با چیزی شبیه مسسوک یا فرچه تمیز کنید. تمیز کردن خروجی آب میوه گیری را هم از قلم نیندازید. اگر عصاره میوه در این قسمت بماند، کپک می زند و دفعه بعد به جای آب میوه، زهر مار تحویل تان می دهد.

پرونده های مجهول

شهری مرموز در دل کوه

آیا «پترا»، شهر تاریخی اردن را نیروهای فرا انسانی ساخته اند؟



فاطمه فارسی | روزنامه نگار

پترا به زبان یونانی یعنی صخره و شهری است در دل کوه و تخته سنگ هایی که به رنگ گل سرخ یا صورتی تراشیده شده است. این شهر تاریخی در ۲۶۲ کیلومتری جنوب «عمان» پایتخت اردن قرار دارد. هر سال هزاران گردشگر به این کشور کوچک سفر می کنند تا از معروف ترین اثر باستانی اش، «پترا» دیدن کنند؛ شهری که در سال ۱۸۱۲ میلادی، یک جهانگرد سوئیسی به نام «یوهان لودویگ برکهارت» آن را کشف کرد. پیش از این تا ۶۰۰ سال این شهر همچون «آلاتنیس» در تاریخ گم شده بود، البته هنوز زمان دقیق ساختش مبهم است. در مجهول این هفته به ویژگی های خاص این بنا و شایعات و افسانه های عجیب درباره آن می پردازیم:

کهن امامد رن!

راه رسیدن به پترایک دره سنگی کم نور، عمیق، تنگ، هراس انگیز با پیچ های تند به طول ۳ هزار و عمق ۱۰۰ متر است که پهنایش از ۳ متر تجاوز نمی کند! با گذشتن از پیچ و خم های این گذرگاه که خود یک ماجراجویی خطرناک است، به محوطه ای برهوت و پر از آرمذگی هایی شبیه به کره ماه می رسیدم. دانشمندان این دره عمیق را حاصل زمین لرزه های دوران پیش از تاریخ می دانند. در دو طرف تنگه، کتیبه های باستانی حکاکی شده و صدها ساختمان، معبد، تالار و آرامگاه های باشکوه وجود دارد که معمار های باستانی گمنامی با ابزار هایی ساده و ابتدایی ساخته اند. باستان شناسان در جریان حفاری های اخیر متوجه شدند چه اثر بی نظیری در مقابل شان قرار دارد. ساکنان این شهر برای پر کردن استخرها به جای حمل آب مورد نیاز، مخزن هایی در بالای کوه کنده بوده اند که هنگام باران مقدار زیادی آب در آن ها ذخیره و از طریق لوله کشی به آب انبار های بزرگی سرازیر می شده است. این آب انبار ها بیش از ۱۰۰ هزار لیتر گنجایش داشته و آب مورد نیاز ۳۰ هزار نفر را تأمین می کرده اند. باستان شناسان در یک روز بارانی متوجه شدند که تنها چند دقیقه طول می کشد تا آب باران به سمت آب انبار ها سرازیر شود.

معماران بنا؛ انسان ها یا فرازمینی ها؟

بزرگی و پیچیدگی معماری، سختی و غیر قابل دسترس بودن محل و ناشناخته بودن

بالتازار

چرا در زمستان بعضی از پرنده ها به ایران مهاجرت می کنند؟



مریم ملی | روزنامه نگار

اگر در شهر های شمالی زندگی می کنید یا فصل سرد به شمال کشور سفر کرده باشید، از میانه شهریور تا آخر زمستان پرند هایی خواهید دید که برای تان نا آشنا هستند. ممکن است حتی نام شان را ندانید و ظاهر شان هم برای تان تازگی داشته باشد. شاید به این فکر بیفتید که ناگهان سرو کله این همه پرنده ناشناس از کجا پیدا می شود. با سرد شدن هوا در فصل های پاییز و زمستان معمولاً حشره ها کم پیدا می شوند و از آن جایی که غذای اصلی بیشتر پرنده ها همین حشرات هستند، بی غذا می مانند و به فکر مهاجرت به مناطق گرم تر می افتند. آن ها این روال را هر سال ادامه می دهند و به نسل های بعدی هم منتقلش می کنند. چون ایران در مقایسه با کشورهای شمالی آسیا هوای گرم تری دارد، پرنده ها به این فکر می افتند که پاییز و زمستان شان را پیش ما بگذرانند. آن ها از کشورهای شمالی آسیا یعنی روسیه، ترکمنستان، آذربایجان، ازمنستان، قزاقستان و تاجیکستان به ایران می آیند. برای همین در فصل های سرد، پلایکان، فلاینگو، درنا، حواصیل و کلی پرنده کمیاب دیگر همچان ما هستند. محل کوچ زمستانه آن ها در ایران بیشتر تالاب ها و

دیدنی

چی درسته، چی غلط؟

شتر مرغ موقع ترسیدن، فرار را برقرار ترجیح می‌دهد	شتر مرغ وقتی می‌ترسد، سرش را در شن فرو می‌برد
موش کور، می‌بیند اما بینایی ضعیفی دارد	موش کور هیچ‌چیزی نمی‌بیند
گریپ فروت، بزرگ‌ترین چیزی است که نهنگ آب‌بی می‌تواند بلبلد	نهنگ آب‌بی می‌تواند یک ماشین را بلبلد

گاف

مهم ترین فعالیتت تو کلاس های آنلاین چی بوده؟

خودم: هر ۱۵ دقیقه یک بار به معلم می گم ببخشید صداتون قطع شد.

خودت بساز

شیشه عطر رو دور نریز

مهسا فارسی | روزنامه نگار

تا حالا به شیشه های خالی عطر دقت کرده اید؟ عطر ساز های خوش سلیقه علاوه بر رایحه، به زیبایی شیشه هم اهمیت می دهند اما این شیشه های جذاب و کوچک و بزرگ بعد از تمام شدن مایع درون شان بی استفاده و دور ریختنی به نظر می رسند و روانه سطل زباله می شوند. در «خودت بساز» این هفته قرار است سراغ شیشه های خالی عطر برویم و ببینیم با آن ها چه کار می شود کرد.

گلدان فوق حرفه ای

لنگه اش هیچ جاپید انمی شود و خوراک خاص پسند هاست. هر شیشه را می شود به تناسب اندازه اش پراز گل کرد؛ چه مصنوعی چه طبیعی. این شیشه ها همچنین می توانند جای خوبی برای نگه داشتن گل های خشک شده باشند. اگر مقداری سنگ ریزه، ماسه رنگی یا خاک ژله ای همراه گیاهان کوچک درونش بریزید، یک گلخانه یا گلدان ترار یوم شیشه ای ساخته اید منتها در ابعاد کوچک تر.

عطر آگین کردن فضا

یکی دیگر از ترندها ساخت خوش بو کننده هواست. داخل شیشه مقداری آب و الکل بریزید و سپس روغن گیاهی خوش بو، گلبرگ یا پوست لیمو و پرتقال به آن اضافه کنید. نعناع و رزماری هم برای این کار مناسب است. در آخر نی شنی، تکه ای چوب بامبو (که گل فروشی ها دارند) یا سیخ چوبی، داخل شیشه بگذارید. به این ترتیب اساس عطر از راه آب، جذب چوب می شود و هوا را معطر می کند.

تزئینات دکوری

رنگ اکریلیک با گواش را کمی با آب رقیق کنید. مایع را درون شیشه بریزید و برگردانید تا شیشه از حالت شفاف در بیاید. بعد با پولک و منجوق و مروارید هر طور که دوست دارید، تزئینش کنید و دور شیشه یک روبان بزنید.



آثار شما

خروس ها مهربان نیستند

رافیه اکبرزاده | ۱۵ ساله از بشرویه

منصور چپ چپ ناهید را نگاه کرد. رویا جنس این نگاه ها را می فهمید؛ کجای این شهر می شود یک خروس زنده پیدا کرد؟ نه می توان در مغازه عروسک فروشی دنبالش گشت، نه توی لباس فروشی ها پیدایش کردند نه برایش آگهی داد. باید جایی دنبال آن می گشت که منصور از آن بیزار بود. آرام زیر گوش همسرش گفت: «به نظرت چرا بچه ما باید این طوری باشه؟ چرا مثل بقیه بچه ها نمی شینه نقاشی بکشه، کارتون نگاه کنه و با عروسکاش حرف بزنه؟». ناهید به رویا خیره شد و گفت: «چون بچه ما با همه فرق داره! اهل کتابه و می خواد شخصیت های قصه شو بشناسه». منصور گفت: «آخه من خروس از کجا پیدا کنم؟ اونم یه خروس زنده!». روایتندی جواب داد: «از همون خروس هایی که قوقولی قوقو می کنن و از رویا ها می ترسن، خیلی هم مهربون». منصور که نمی دانست چه بگوید، دست هایش را به حالت دعا بالا برد و ملتئم سانه در چشم های رویا نگاه کرد. ناهید با مهر بانی پرسید: «دختر قشنگم حالا نمیشه به جای خروس به چیز دیگه بخوای؟ می خوای بریم رستوران؟ پارک؟». رویا جواب داد: «من می خوام ببینم خروس چه شکلیه. چه جوری می خونه». رویا هنوز حرفش تمام نشده بود که صدای قوقولی قوقو شنید. فکر کرد بابا می خواهد اذیتش کند اما نه! صدا از پایین بود. رویا به سمت پنجره دوید. بابا منصور انگار یک کوه را از روی شانه هایش برداشته باشند، دست رویا را گرفت و دویدند دم در ساختمان. داد زد: «آقا کریم خروس مال شماست؟». همسایه جواب داد: «سلام آقا منصور، بله با اجازه متون! خانمم هوس کرده». رویا به طرف خروس دوید. خواست نوکش را اناز کند. برایش غذا بریزد و ببیند چه جوری آواز می خواند اما نباید آن قدر نزدیکش می شد. نباید چشم در چشم نگاهش می کرد. صدای گریه رویا همه را به سمتش کشید. باصورت خراشیده پرید تو بغل بابا منصور. قلیش مثل گنجشک تند تند می زد. بابا معصومیت گفت: «خروس ها مهربون نیستند. همه قصه ها دروغه، رویا ها مهربون اند که خروس ها رو می خورند. من باید یه رویا به از نزدیک ببینم!»